

A Typology of Abstruse Words in Hadiths within al-Shaykh al-Ṣadūq's Works¹

Hojjat Alinejad², Seyed Mohsen Musavi³, Mohsen Nouraei⁴

(Received on: 2022-7-14; Accepted on: 2022-11-12)

Abstract

Some hadiths transmitted from the Infallible Imams elaborate on and elucidate abstruse words (*gharīb al-alfāz*). Among the pioneering scholars who collected and categorized these hadiths was al-Shaykh al-Ṣadūq. Various studies have been conducted on the typology of hadiths found in some works by al-Shaykh al-Ṣadūq concerning abstruse words. This research aims to provide a comprehensive typology of these hadiths by examining all the works attributed to al-Ṣadūq available to us. The data collection method employed is library-based, and their examination follows a descriptive-analytical approach. Findings suggest that the explanations provided by the Infallibles regarding abstruse words, as compiled in the works of al-Shaykh al-Ṣadūq, encompass the rationale behind their designation, illustrative examples, both literal and contextual meanings, transcending their surface meanings, the influence of rational principles on their interpretations, considerations of the semantic spirit within Arabic literature, and the conceptual elucidation of abstruse terms. The exploration of diverse interpretations of these words in these hadiths offers a means to resolve and reconcile conflicting narratives within various Islamic denominations.

Keywords: al-Ṣadūq, abstruse Quranic words (*gharīb al-Qur'ān*), abstruse words in hadiths (*gharīb al-ḥadīth*), hadiths, semantics.

1. This article is derived from Hojjat Alinejad, "Methodology, analysis, and recovery of abstruse words in the Quran and hadiths within al-Shaykh al-Ṣadūq's works," PhD diss., University of Mazandaran, 2022.

2. PhD student, Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (corresponding author). Email: h.alinejad02@umail.umz.ac.ir

3. Assistant professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: m.musavi@umz.ac.ir

4. Associate professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. Email: m.nouraei@umz.ac.ir

گونه‌شناسی تبیین واژگان غریب در احادیث معصومان (ع) در آثار شیخ صدوق^۱

حجت علی نژاد^۲، سیدمحسن موسوی^۳، محسن نورائی^۴

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۱]

چکیده

برخی از احادیث ائمه معصومان (ع) به تبیین و معناشناسی واژگان غریب پرداخته‌اند. شیخ صدوق از نخستین کسانی است که این قبیل از احادیث را یک جا گردآوری و در قالب ابواب مختلفی دسته‌بندی کرده است. مطالعاتی موردی در گونه‌شناسی معصومان (ع) در تبیین واژگان غریب در برخی آثار شیخ صدوق انجام پذیرفته است. این پژوهش درصدد گونه‌شناسی بیان معصومان (ع) در واژگان غریب با مطالعه در تمامی آثار برجای مانده از شیخ صدوق است. روش جمع‌آوری مطالب در این پژوهش، کتابخانه‌ای و پردازش آنها توصیفی - تحلیلی است. پس از بررسی‌ها مشخص شد بیان‌های تبیین معصومان (ع) از واژه‌های غریب در آثار شیخ صدوق شامل بیان وجه تسمیه واژه غریب، تعیین مصادیق برای واژه، بیان معنای لغوی و استعمالی، عبور از معنای ظاهری واژه، تأثیر اصول عقلایی سخن در معنای واژه، توجه به تأثیر روح معنا در ادبیات عرب و بیان مفهومی واژه غریب است. توجه به بیان‌های متنوع ائمه معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب، اخبار متعارض بین مذاهب اسلامی را از بین می‌برد.

کلیدواژه‌ها: صدوق، غریب القرآن، غریب الحدیث، احادیث معصومان (ع)، معناشناسی.

۱. این مقاله برگرفته از: حجت علی نژاد، «روش‌شناسی، تحلیل و بازیابی غریب القرآن و الحدیث در آثار شیخ صدوق»، رساله

دکتری، استاد راهنما: سیدمحسن موسوی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، ۱۴۰۱، است.

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول) h.alinejad02@umail.umz.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران m.musavi@umz.ac.ir

۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران m.nouraei@umz.ac.ir

مقدمه

«غریب» صفتی است به معنای دور و جدا افتاده (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۶۰۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۶۸۶)؛ اما این واژه با ورود به حوزه حدیث، با دو اصطلاح «حدیث غریب» و «غریب الحدیث» تعبیر می‌شود. «حدیث غریب»، حدیثی است که در طبقه‌ای از سند آن، تنها یک راوی آن را نقل کرده باشد (صدر، [بی‌تا]: ص ۱۶۰)؛ مانند روایت «أَتَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» که آن را فقط عمر بن خطاب نقل کرده است و از عمر نیز تا چند راوی دیگر نیز تنها یک نفر آن را نقل کرده‌اند (شانه‌چی، ۱۳۹۷: ص ۵۴). این روایت در طبقه اول منفرد است و این تفرد در چند طبقه بعدی نیز تکرار شده و بعد از آن به شهرت رسیده است. این تعریف از حدیث غریب، خارج از پژوهش پیش‌رو است. «غریب الحدیث»، حدیثی است که مشتمل بر واژه‌ای ناآشنا و نامأنوس باشد (مامقانی، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۲۳۱؛ سبحانی، [بی‌تا]: ص ۷۵). مشخص است که این تعریف، مقصود و مراد در این پژوهش خواهد بود. گفتنی است این پژوهش افزون بر «غریب الحدیث»، با «غریب القرآن» نیز سروکار دارد و آن دانشی را گویند که به تبیین معنای واژگانی از قرآن می‌پردازد که برای عامه مردم نامأنوس و غریب است (اندلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۴۰؛ رافعی، ۱۴۲۷: ص ۵۰؛ طیب حسینی، ۱۳۹۲: ص ۲۰). «غریب القرآن» نیز مانند «غریب الحدیث» اصطلاحی است که با معناشناسی واژگان و علم مفردات مرتبط است.

هر واژه‌ای که در قرآن کریم و احادیث ائمه معصومان (ع) به کار رفته است، فقط معنایی خاص از آن مراد و مقصود است؛ اما برخی واژگان با گذشت زمان دچار تطور و تحول معنایی شده‌اند و معانی جدیدی به حوزه معنایی آنان افزوده شده است و مباحثی از قبیل مترادف، اشتراک لفظی، وجوه و نظایر و اضداد، دامن علم مفردات را برای کشف معنای اولیه و مقصود آیات و احادیث را گرفت. از سویی دیگر، ائمه معصومان (ع) که آگاه‌ترین افراد به معنای قرآن کریم پس از رسول خدا (ص) هستند (کلینی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۲۸۸)، در مواردی در قالب احادیثی به تبیین و معناشناسی واژگان غریب و جنبه‌های گوناگون معنایی آنها پرداخته‌اند؛ برای مثال در

حدیث «إِنَّمَا شُرِبَ إِلَهِيمَ مَا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ»، واژه «الهِيم» را در معنای لغوی به «تشنگی» معنا نموده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۲۸۸)؛ ولی امام صادق (ع) با عبور از معنای لغوی در معنای آن توسعه ایجاد کرده و واژه را به معنای «آشامیدن آبی که نام خداوند بر آن برده نشده است» بیان کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۴۹). با توجه به اهمیت شناخت معانی مختلف واژگان غریب در آیات قرآن کریم و احادیث، بخش مهمی از تلاش ائمه معصومان (ع)، توجه و تأکید به معنای صحیح واژگان غریب بوده است. این تلاش‌ها در شیوه‌ها و روش‌های مختلف بیانی نمود پیدا کرده است.

شیخ صدوق (م ۳۸۱) از نخستین محدثان کثیرالتألیف شیعه در قرن چهارم هجری است که کثرت تألیفات حدیثی و داشتن مشایخ فراوان اعم از شیعه و سنی، ایشان را در درجه بالاتری از دیگران قرار داده است (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۳۳۲؛ غفاری، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۶). با توجه به اینکه ایشان در آثار خود احادیث فراوانی از ائمه معصومان (ع) که در آن به معناشناسی واژگان غریب پرداخته‌اند را نقل و در قالب ابوابی دسته‌بندی نموده است (آقابزرگ تهرانی، [بی‌تا]: ج ۱۶، ص ۴۶؛ نجاشی، ۱۴۲۴: ص ۳۹۱)، این پرسش مطرح است که گونه‌های احادیث فوق در تبیین واژگان غریب در آثار شیخ صدوق، چه مواردی را دربر می‌گیرد؟

در گونه‌شناسی روش ائمه معصومان (ع) در چگونگی پرداخت به واژگان غریب، مقالات و نوشته‌های متعددی تألیف شده است؛ از جمله می‌توان به مقالاتی از قبیل «گونه‌شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان (ع)» (معارف، ۱۳۸۵)، «گونه‌شناسی روایات معناشناخت واژگان قرآنی» (کوهی و دیگران، ۱۳۹۳)، «نقش احادیث معصومین (ع) در معناشناسی واژه‌های قرآن کریم» (موسوی، ۱۳۹۷) و «گونه‌شناسی مفردات پژوهی در قرآن از منظر روایات تفسیری اهل بیت (ع)» (هاشمی کاشانی و دیگران، ۱۴۰۰) اشاره کرد. در این نوشته‌ها اگرچه به برخی گونه‌ها و ابعاد روشی ائمه معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب اشاره شده است، با این وجود یا

به آثار شیخ صدوق توجه نشده است یا به برخی منابع ایشان به گونه موردی اشاره شده است؛ بنابراین پژوهشی جامع در تمامی آثار برجای مانده ایشان در حوزه گونه‌شناسی تبیین احادیث معصومان (ع) در واژگان غریب انجام نگرفته است؛ از این رو در پژوهش پیش رو تلاش شده است با نگاه خاص شیخ صدوق در جایگاه یک عالم به علم لغت، به احادیث تبیین معانی اشاره شود. بنابراین این پژوهش بر آن است تا با مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل در آثار باقی مانده شیخ صدوق، گونه‌شناسی تبیین واژگان غریب در احادیث معصومان (ع) را که در آثار شیخ صدوق نمود پیدا کرده است، مورد مطالعه قرار دهد.

ابعاد روشی ائمه معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب

دلایل عقلی و نقلی فراوانی بر حجّیت سنت ائمه معصومان (ع) دلالت دارند؛ از مهم‌ترین دلایل نقلی در این باره احادیث نبوی (ص) مانند حدیث «منزلت» و حدیث «ثقلین» (بخاری، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۱۲۷؛ قشیری نیشابوری، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۱۰۰؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۴۳۳) و استناد به آیه «ولایت» (مائده: ۵۵)، آیه «ابلاغ» (مائده: ۶۷)، حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۶۴۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۴۲۴) و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) بر برابر بودن ضرورت اطاعت از ائمه معصومان (ع) با پیامبر اکرم (ص) است (مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۲، ص ۳۵۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۳۹۱) که از هرگونه خطا و اشتباه مصون هستند (طوسی، [بی تا]: ج ۳، ص ۲۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۱۴).

نمونه‌هایی از تفاسیر ائمه معصومان (ع) که بر مبنای توجه به معناشناسی واژگان غریب به تفسیر پرداخته‌اند را می‌توان در آیات وضو (مائده: ۶)، قصر در سفر (نساء: ۱۰۱ - ۱۰۲)، قطع ید (جن: ۱۸) و خمس (انفال: ۴۱) یافت (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۱۰۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۱۹؛

حر عاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۲، ص ۸۸) که نشان‌دهنده صلاحیت‌های علمی و توانایی‌های ادبی آنها در حوزه معناشناسی واژگان غریب است. در این نوشتار به ابعاد روشی ائمه معصومان (ع) و چگونگی پرداخت آنها به معناشناسی واژگان غریب در آثار شیخ صدوق پرداخته شده است.

۱. استناد به آیات قرآن در معنای واژه

قرآن کریم با نزولش باعث تحقیق و پژوهش پیرامون زبان عربی شد و تمام پژوهش‌های زبان عربی حول محور قرآن انجام می‌شد؛ چراکه این پژوهش‌ها برای فهم متن قرآن کریم و خدمت به اسلام رخ می‌داد. تمامی پژوهش‌ها درباره زبان عربی مانند بررسی فرهنگ و ادب عربی و وضع قواعد صرف و نحو برای زبان عربی، تنها به دلیل پیوند زبان عربی با دین اسلام بوده است. «به همین دلیل بوده است که لغویان پیشین یا مفسر قرآن بوده‌اند یا قاری یا محدث یا متکلم و فقیه» (ابوالمکارم، ۱۹۸۲: ص ۱۰۲). بنابراین می‌توان گفت قرآن کریم اصیل‌ترین و معتبرترین منبع برای شناخت واژگان به‌کاررفته در فرهنگ و زبان عربی و منبعی غنی برای درک حدود معنای واژگان است. البته باید گفت قرآن کریم هرگز مانند آنچه در کتاب‌های لغت در تبیین معنای واژگان آمده است، معنای یک واژه را بیان نمی‌کند، بلکه فقط کاربردها و معانی مختلف یک واژه یا معنای دقیق آن را بیان می‌کند.

یکی از ابعاد روشی ائمه معصومان در معناشناسی واژگان غریب، استناد به آیات قرآن کریم است. در آثار شیخ صدوق به این جنبه از کارکرد احادیث معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب نیز اشاره شده است؛ برای مثال امام جواد (ع) در تبیین معنای واژه «امی» می‌فرماید این واژه یکی از نام‌های مکه بوده است؛ از این رو این آیه صراحتی بر عدم خواندن و نوشتن پیامبر (ص) ندارد. ایشان این معنا از واژه را به آیه «لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام: ۹۲) استناد می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۵۴). در نمونه‌ای دیگر امام رضا (ع) در تبیین معنای واژه «مگه» می‌فرماید این واژه

به معنای «فریاد» است؛ ایشان این معنا از واژه را به آیه «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً» (انفال: ۳۵) استناد می‌کند.

همچنین امام صادق (ع) معنای واژه «اختلاف» در حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «إِنَّ اخْتِلَافَ أُمَّتِي رَحْمَةٌ» را با استناد به آیه «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه: ۱۲۲)، به معنای «رفت و آمد عالمان دینی» تفسیر می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۵۷). امام رضا (ع) هم در تبیین معنای واژه «قدیم» در عبارت «كُلُّ مَمْلُوكٍ لِي قَدِيمٌ فَهُوَ حُرٌّ لِرُوحِهِ اللَّهِ»، که قدیم شامل چه مدت زمانی است، آن مدت را «شش ماه و بالاتر از آن» می‌داند؛ ایشان (ع) این معنا از واژه را به آیه «حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ» (یس: ۳۹) استناد می‌کند؛ چون دو چوب خشک خرما در مدت شش ماه به شکل هلال می‌گردد (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۱۹؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: واژه‌های مال کثیر، ص ۲۱۸؛ سَهْمٌ مِنْ مَالٍ، ص ۲۱۶).

۲. بیان وجه تسمیه واژه غریب

«تسمیه» را در لغت به نامیدن، نام‌نهادن و نام‌گذاری تعریف کرده‌اند (معین، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۰۸۲). «وجه تسمیه» در اصطلاح همان علت نامیده شدن و نام‌گذاری واژه‌ها بدان اسامی است. در دانش وجه تسمیه، به بررسی تاریخی سرگذشت واژه و تحول آن در طول تاریخ پرداخته می‌شود (میرشکاری، ۱۳۹۶: دفتر ششم، ذیل واژه «ریشه‌شناسی»). وجه تسمیه در معناشناسی واژگان غریب در بسیاری از موارد به یافتن ریشه اصلی واژه کمک فراوانی می‌کند و در مواردی تنها منبع مورد استناد، رجوع به وجه تسمیه است. وجه تسمیه‌ها معمولاً به حقیقت معنای واژه بسیار نزدیک هستند؛ از این رو همیشه مورد توجه عالمان علم لغت و مفسران هستند و مبنایی علمی و ریشه‌شناسی دارند و مطالعات علمی مستند لغویان بر آن صحّه گذاشته‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۸، ص ۸۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۵۱).

یکی از گونه‌های تفسیری ائمه معصومان (ع)، ایجاد و ابداع یا شناساندن وجه تسمیه‌ها برای واژگان غریب است. در بسیاری از موارد که هیچ منبعی برای شناخت معنای واژه وجود ندارد، انعکاس وجه تسمیه‌ها از جانب ائمه معصومان (ع) در یافتن معنای واژه کمک کرده است. نکته‌ای که باید درباره این قبیل احادیث دانسته شود، گستردگی دامنه این احادیث است و اینکه واژه خاصی را مدنظر قرار نداده‌اند؛ بنابراین وجه تسمیه بسیاری از واژگان را می‌توان در این قبیل از روایات پیدا نمود. با مطالعه آثار شیخ صدوق می‌توان نتیجه گرفت بیان معنای لغوی با بهره‌گیری از وجه تسمیه‌ها بیشتر بین اسم‌های علم و نام مکان‌ها فراوانی دارد.

در روایتی از امام صادق (ع) وجه تسمیه نامیده شدن مسجد «خیف» بدین نام این‌گونه بیان می‌شود که چون به هر مکانی که از وادی بالاتر و مرتفع‌تر باشد، «خیف» گفته می‌شود، علت نام‌گرفتن مسجد خیف بدین نام نیز همین مسئله است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۴۳۶)؛ همچنین امام صادق (ع) در روایتی در معنای واژه «فضیخ» که چرا مسجد فضیخ را بدین نام نهاده‌اند، می‌فرمایند که درخت خرما را «فضیخ» گویند؛ چون در این مسجد درخت خرما بوده است؛ از این رو این مسجد را بدین نام خوانده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۴۵۹).

در بیشتر موارد در متون ادبی زبان عربی، بسیاری از وجه تسمیه‌ها بر اساس ساختار شکلی واژه‌ها به وجود آمده است. امام معصوم (ع) هم بر اساس همین ساختار به تبیین و معناشناسی برخی از واژگان غریب می‌پردازد که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در آثار شیخ صدوق یافت؛ برای مثال امام صادق (ع) در تبیین معنای اسامی پیامبران (ع) با بیان وجه تسمیه آنها می‌فرمایند: علت نامیدن «آدم» بدین نام این است که چون حضرت آدم از زمین چهارم «ادیم» آفریده شده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۴)؛ نیز وجه تسمیه واژه «حوا» را از ریشه «حی» به معنای آفریده شده برای موجود زنده‌ای - حضرت آدم - بیان می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۶). همچنین وجه تسمیه واژه «مرآة» را از ریشه «مرأ» یعنی از مرد آفریده شده

می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۶). ایشان علت نامیده شدن واژه «نساء» بدین نام را چون تنها مونس برای مرد - حضرت آدم - بود، می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۷؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: واژه‌های: ادريس: ج ۱، ص ۲۷؛ نوح، ج ۱، ص ۲۸؛ طوفان: ج ۱، ص ۲۹؛ ریح عقیق: ج ۱، ص ۳۳؛ ذات العماد: ج ۱، ص ۳۴).

۳. تعیین مصداق برای واژه

تعریف معنای یک واژه از جهتی به دو قسم تعریف «مفهومی» و تعیین «مصادقی» تقسیم‌شدنی است (خوانساری، ۱۳۹۴: ص ۱۷). هر واژه‌ای افزون بر تعریف مفهومی، معمولاً دارای یک معنا یا تعیین مصداقی نیز می‌باشد. درباره تعریف مفهومی یک واژه گفته‌اند عبارت است از ایجاد صورتی ذهنی در فرد، خواه در مقابل آن لفظی وضع شده باشد یا وضع نشده باشد (ابوالبقاء، [بی‌تا: ج ۱، ص ۸۰۷]). در تعیین مصداق گفته شده است آنچه مفهوم بر آن صدق می‌کند، خواه خارج از ذهن یا در ذهن محقق شود (طوسی، ۱۳۲۶: ص ۶). در دانش زبان‌شناسی نوین به تعریف مفهومی یک واژه، معنای «درون‌زبانی» و به تعریف مصداقی یک واژه، معنای «برون‌زبانی» گفته می‌شود (صفوی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۹).

معناشناسی واژگان غریب در قرآن کریم و احادیث معصومان (ع) با استفاده از معنای مصداقی، جایگاه مهمی دارد. گاهی امام برای تبیین هرچه بهتر معنای واژه غریب، وجه یا وجوه معانی مختلفی را برای واژه غریب آورده‌اند که این وجوه از جنس «بیان مصداق» برای واژه می‌باشد؛ برای مثال امام رضا (ع) می‌فرمایند: خداوند لعنت کند هر کسی را که «حَدَث» از او سرزند یا «محدثی» را پناه دهد. از امام (ع) پرسیده می‌شود منظور از «حَدَث» چیست؟ ایشان برای تبیین واژه یک مصداق برای آن می‌آورند و می‌فرمایند منظور از آن «قتل» است (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳۱۳). همچنین در حدیثی از امام موسی کاظم

(ع) پرسیده شده است فرد مستطیع به چه کسی گفته می‌شود؟ امام (ع) چهار مصداق را بیان می‌کند: نداشتن مشکل در زندگی، صحت جسم، سلامت اعضا و داشتن نذر برای شخص مستطیع (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ص ۳۹).

از امام صادق (ع) در تبیین معنای «خَيْرِ الْعَمَلِ» در عبارت «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» پرسیده می‌شود؛ ایشان «پذیرش ولایت ائمه» را مصداق بهترین عمل بیان فرموده است (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۴۱). همچنین در حدیثی از امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) درباره معنای واژه «عُتْرَت» در حدیث «ثقلین» پرسیده شد؛ امام (ع) در جواب، خودشان و دو فرزند بزرگوارش و نه امام از فرزندان امام حسین (ع) را مصداقی برای این واژه ذکر می‌کنند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۹۰)؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: واژه‌های آل محمد، ص ۹۴؛ مستضعفان، ص ۷۹؛ امام مبین، ص ۹۵.

۴. بیان معنای لغوی و استعمالی در فرهنگ و ادب عربی

«بیان» در معنای لغوی خود به معانی زیادی از جمله توضیح، تبیین، شرح، تأویل و کشف آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۱۵۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳، ص ۶۷؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۳۶۶). این واژه در اصطلاح مفسران و محدثان به معنای شرح و ایضاح معانی واژگان در قرآن کریم و احادیث معصومان (ع) (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۲۰۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۶، ص ۲۷۸) آمده است. بیان معنای لغوی و استعمالی واژه، این را می‌طلبد که فرد لغوی افزون بر احاطه به همه جوانب معنایی واژه، به معانی ظاهری و باطنی واژه آگاه باشد. یکی از مهم‌ترین کارکردها و نقش‌های احادیث معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب، بیان معنای لغوی و استعمالی آن در فرهنگ و ادب عربی است. ائمه معصومان (ع) گاهی در تبیین معنای واژه، اصل معنای لغوی یا استعمالی در فرهنگ و ادب عربی را بیان می‌کنند.

در آثار شیخ صدوق به این جنبه از کارکرد احادیث معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب نیز اشاره شده است؛ امام صادق (ع) در تبیین واژه «سبحان»، به بیان معنای لغوی آن می‌پردازد

و می‌نویسد سبحان یعنی «تنفرداشتن و منزّه و مبرادانستن خداوند از هر چیزی که باعث نقص و عیب گردد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۹)؛ معنای لغوی این واژه نیز در فرهنگ و ادب عربی با بیان امام (ع) هم‌خوانی دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۱۵۱).

نمونه دیگر، معنای لغوی واژه «صفح» در فرهنگ و ادب عربی به «روی برگرداندن» به کار شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۵۱۲)؛ بیان امام رضا (ع) از معنای واژه «صفح» در آیه «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر: ۸۵)، موافق با معنای لغوی اش است و آن را به «گذشت بدون سرزنش و نکوهش» تبیین می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۳۷۴). همچنین در حدیث «نَفْسٌ مِّنَّا إِلَّا وَتَدْرِكُهُ السَّعَادَةُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ نَفْسُهُ وَلَوْ بِفُؤَادٍ نَّاقَةٍ قَالَ قُلْتُ وَمَا فُؤَادٌ نَّاقَةٌ قَالَ حِلَابُهَا»، لغویان واژه «فؤاد» را به معنای «یک بار دوشیدن شیر» بیان کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ج ۳، ص ۴۷۹)؛ امام صادق (ع) نیز این واژه را به همین معنای لغوی بیان می‌کنند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۳۹۲؛ برای مطالعه بیشتر، رک: واژه‌های همج، معانی الاخبار، ص ۴۰۴؛ صمّاء، من لایحضر، ج ۱، ص ۲۵۸؛ زهو، من لایحضر، ج ۳، ص ۲۱۲).

۵. عبور از معنای ظاهری واژه

از آنجاکه قرآن کریم از وحی الهی سرچشمه گرفته است، معارفی عمیق را در قالب الفاظ بشری و رایج میان مردم عرب بیان فرموده است؛ بنابراین طبیعی است برخی از واژه‌های قرآن در معنای رایج میان مردم عرب به کار نرفته باشند و در ادبیات انسانی، نامأنوس و غریب به نظر برسند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۶۲)؛ همچنین محتوا و معانی بلند در احادیث نبوی و ائمه معصومان (ع) مانند آیات قرآن، هرگز در قالب الفاظ بشری و معمولی نمی‌گنجند و الفاظ توانایی حمل آن معانی بلند را ندارند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۲۶۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۳۰) و نیز گستره آگاهی ائمه معصومان (ع) از غیب، در مقابل سطح درک و فهم مخاطبان، باعث شده است که برخی از واژگان حدیثی در قالب مجاز و استعاره ریخته شود و معنای ظاهری واژه به هیچ وجه مراد نباشد.

ائمه معصومان (ع) برای معناشناسی و تبیین چنین واژگانی، از معنای ظاهری واژه عبور کرده‌اند و معانی جدیدی برای واژه بیان کرده‌اند تا مراد اصلی آیه و حدیث را بیان کنند. در آثار شیخ صدوق به این بعد از ابعاد روشی معصومان (ع) نیز اشاره شده است؛ برای مثال معنای واژه «وَجْه» در آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸) را لغویان به «صورت و چهره» بیان کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۸۵۵؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۱۳، ص ۵۵۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ص ۱۸۴)؛ ولی امام صادق (ع) با عبور از معنای لغوی، آن را توسعه داده‌اند و مقصود از واژه «وجه» در این آیه را «دین خدا» معنا می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۳). به نظر می‌رسد مراد امام (ع) از بیان چنین معنایی برای واژه، ذکر این نکته باشد که خداوند بزرگ‌تر از آن است که گفته شود وجه دارد؛ چون وجه به معنای صورت فقط در اجسام تصور شدنی است؛ بنابراین این معنا از وجه برای غیر اجسام مثل روح یا نور قابل تصور نیست؛ از این رو به کاربردن معنای ظاهری و رایج واژه، احتمال افتادن در دام تشبیه و تجسیم وجود داشت؛ به همین دلیل امام در تبیین معنای واژه از معنای ظاهری لفظ عبور کردند و معنایی جدید را برای واژه قائل شده‌اند.

همچنین لغویان واژه «الهِيم» در حدیث «إِنَّمَا شَرِبَ الْهِيمَ مَا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ» را در معنای لغوی به «تشنگی» معنا کرده‌اند (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ج ۵، ص ۲۸۸)؛ ولی امام صادق (ع) با عبور از معنای لغوی، در معنای آن توسعه ایجاد نموده‌اند و واژه را این‌گونه معنا کرده‌اند: «آشامیدن آبی که نام خداوند بر آن برده نشده است» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۴۹؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: واژه‌های حنفاء، ص ۳۵۰؛ شخ، ص ۳۱۴).

۶. تأثیر اصول عقلایی سخن در معنای واژه

مقصود از اصول عقلایی محاوره، قرینه‌های پیوسته - اعم از لفظی و غیرلفظی -، ناپیوسته و انواع دلالت‌های کلام است که در علم تفسیر در زمره قواعدی تفسیری محسوب می‌شود (بابایی، ۱۳۸۱: ص ۱۱۴). یکی از قرائن مهم پیوسته لفظی که در لفظ نمودار می‌شود، سیاق جمله است. از

قراین پیوسته غیرلفظی می‌توان به شرایط و اسباب صدور سخن و ویژگی‌های مخاطب و متکلم در هنگام صدور کلام اشاره کرد. برای فهم مراد و مقصود یک سخن، بایستی به موارد فوق توجه شود. امام معصوم (ع) گاهی در بیان معنای واژه غریب، به موارد فوق توجه ویژه‌ای داشته‌اند؛ برای مثال در حدیث «مَا عَيْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْخَبِّ»، واژه «خب» که معنای لغوی آن «پوشیده شدن و پنهان بودن» است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۶۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۷۴)، امام صادق (ع) با توجه به سیاق حدیث و اسباب صدور سخن، این واژه را به «تقیّه» معنا می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۶۲).

همچنین امام رضا (ع) در تبیین معنای واژه «تَفَتَّ» در آیه «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ» (حج: ۲۹)، با توجه به شرایط و ویژگی‌های مخاطب در هنگام صدور کلام که ممکن است طی مراسم حج، آلودگی‌های جسمی به فرد برسد، به «گرفتن ناخن، زدودن چرک و برون شدن از احرام» تبیین می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۳۱۲). امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است: «تُرْمَوْنَ بِالصَّلْعَاءِ» (در صلعاء انداخته خواهید شد)، لغویان واژه «صلعاء» را به «زمینی که در آن هیچ گیاهی نباشد» (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ج ۳، ص ۴۷) معنا کرده‌اند؛ ولی امام (ع) با توجه به سیاق سخن، این واژه را به «سختی و بلا» معنا می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۶۸؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: واژه مجبور، ص ۲۱۴).

۷. وجود مترادف یا عدم مترادف در معنای واژه

یکی از مهم‌ترین اصول موجود در هر زبانی این است که برای هر معنا فقط یک واژه وضع شود؛ ولی گاهی شرایطی در زبان به وجود می‌آید که منجر به دلالت یک واژه بر معانی متعدد می‌شود. در زبان عربی نیز گاهی چند واژه را برای معنای واحدی به کار می‌برند و گاهی یک واژه را برای معانی مختلف استفاده می‌کنند (سیبویه، ۱۴۱۰: ص ۱۵؛ سیوطی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۳۳۸). دانشمندان در مورد چند واژه دارای معنایی واحد، عنوان «ترادف» را اطلاق می‌کنند. یکی از موضوعات بسیار مهم در رابطه با لغت، وجود ترادف یا عدم ترادف در واژه است. ترادف در معنای لغوی از ماده «ردف» به معنای تابع

و پیرو آمده است. «ردیف» و «ردف» به کسی می‌گویند که پشت سر راکب بر مرکب سوار می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۳۴۹؛ ابن فارس، ۱۳۸۷: ذیل واژه «ردف»). واژه «ترادف» از باب «تفاعل» به معنای پیروی کردن دو چیز از همدیگر است (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۶۳). «ترادف الکلمتان» یعنی دو واژه، مترادف و به یک معنای باشند (ابراهیم مصطفی، ۱۳۲۷: ص ۳۳۹).

لغویان در تعریف اصطلاحی ترادف با هم اختلاف نظر دارند که اختلاف نظرها از باور به وجود یا عدم ترادف در زبان عربی و قرآن کریم ناشی می‌شود. عده‌ای در تعریف ترادف گفته‌اند دلالت دو یا چند واژه بر معنایی واحد (سیبویه، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۵) و عده‌ای دیگر برای تعریف اصطلاحی ترادف، قید و شرط‌هایی به آن افزوده‌اند (سیوطی، [بی‌تا]: ص ۴۰۲؛ المنجد، ۱۴۱۹: ص ۳۵). گاهی فرهنگ و ادب عربی ناتوان از کشف معنای اصلی واژه غریب است؛ در این مورد مراجعه به احادیث ائمه معصومان (ع) راهگشای لغویان و مفسران است.

ائمه معصومان (ع) گاهی با تعیین دقیق معنای واژه، احتمال تداخل معنایی را از بین می‌برند. در آثار شیخ صدوق به این جنبه از کارکرد احادیث معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب نیز اشاره شده است؛ برای مثال امام صادق (ع) در بیان معنای دو واژه مترادف «سرّ» و «اخفی» و تفاوت معنای آن دو در آیه «فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى» (طه: ۷)، با تحدید معنای آنها، واژه «سرّ» را به چیزی می‌داند که انسان به اختیار خود در ضمیر خود پنهان می‌دارد و واژه «اخفی» را به چیزی معنا می‌کند که زمانی در خاطره‌اش بوده و بعد آن را فراموش کرده است (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۴۳). همچنین امام صادق (ع) در تفاوت میان دو واژه «اجبار و اکراه»، «اجبار» را از جانب حاکم یا پادشاه و «اکراه» را از جانب خانواده می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۶۶).

امام صادق (ع) نیز در بیان معنای واژه «أَشَدَّه و استوی» در آیه «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا» (قصص: ۱۴) با بیان دقیق حدود معنایی آنها، واژه «أَشَدَّه» را به معنای «رسیدن به هجده سال» و «استوی» را به معنای «زمانی که چهره مو درآورد» می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۲۶).

۸. تعیین دقیق حدود معنا

ائمه معصومان (ع) گاهی با تعیین دقیق حد و مرز معنای واژه غریب، از خطا در فهم معنای واژه و از احتمال ترادف با واژه قریب المعنای دیگر جلوگیری می‌کنند. در آثار شیخ صدوق به این جنبه از کارکرد احادیث معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب نیز اشاره شده است؛ برای مثال در حدیثی از امام صادق (ع) که واژه «قنطار» به «مال زیاد» (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص ۲۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۶۲۱) معنا شده است، امام (ع) حدود این واژه را دقیقاً معین نموده است و «قنطار» را معادل هزار و دو سیست اوقیه می‌داند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۴۷). همچنین امام صادق (ع) در تعیین مدت زمان واژه «حقبه» در آیه «لَا يَثِينَنَّ فِيهَا أَكْثَابًا» (نساء: ۲۳)، مدت زمان این واژه را «هشتاد» سال ذکر می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۲۱؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: واژه‌های الأفق من الناس، ص ۲۲۹؛ دِقْأً، ص ۲۳۸).

۹. توجه به تأثیر روح معنا در ادبیات عرب

قرآن کریم و احادیث معصومان (ع) به وجود آورنده ظرفیت‌های جدیدی از سطح زبان و ادب عربی است و توسعه معنایی الفاظ و واژگان عربی برای بیان معارف والای قرآنی به همراه داشته است. توسعه زبان عربی و وضع الفاظ برای مفاهیم عام (سبزواری، ۱۳۶۹: ج ۳، ص ۵۶۰)، باعث شده است معارف ناب وحیانی در قالب همان الفاظ رایج در فرهنگ عربی به مسلمانان منتقل شود (جوادی آملی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۲۱۷). تبیین وضع الفاظ و واژگان برای مفاهیم عام و به تعبیر دیگر برای روح و حقیقت معنا، با نزول قرآن کریم شکل گرفت. پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومان (ع)، اصحاب و یاران خود را به روح معنای الفاظ آشنا می‌کردند.

مفسران بزرگی به تبعیت از سیره معصومان (ع) در رسیدن به روح معنا برای الفاظ کوشیده‌اند؛ کسانی مانند غزالی (غزالی، ۱۴۰۹: ص ۳۹)، صدر المتألهین (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۷: ص

(۲۶۱)، فیض کاشانی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۳۱)، امام خمینی (خمینی، ۱۳۶۰: ص ۳۹) و جوادی آملی (جوادی آملی، [بی‌تا]: ج ۱۴، ص ۶۲۵) در رسیدن به روح و گوهر معنای واژگان بهره برده‌اند. در موارد فراوانی ائمه معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب تلاش داشته‌اند تا به روح معنای واژه دست یابند؛ آنها با توسعه در معنای واژگان غریب و القای ویژگی‌های زمانی و حسی واژگان، به حقیقتی گسترده و برتر از معنای واژگان راه یافته‌اند تا با به‌کارگیری واژگان در معنای حقیقی خود، حقایق عمیق و نهفته در آیات و احادیث را روشن سازند و میان مدلول‌های ظاهری الفاظ با مسلمات اعتقادی - مذهبی، از ظاهرگرایی و مجازپنداری بی‌ضابطه پرهیز کنند (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ص ۲۳۵).

از آنجاکه قرآن کریم دارای ظاهر و بطنی است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۴، ص ۳۹۸) و قواعد ادبی زبان عربی اعم از صرف و نحو بیان و بدیع و ... در عین قبول آنها، توانایی تفسیر و تبیین همه معارف والای قرآنی را ندارند (جوادی، آملی، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۲۱۷) و همچنین بسیاری از احادیث ائمه در شرایط خاص و برای افراد خاصی صادر شده‌اند؛ دارای بطون و لایه‌های معنایی و دارای تأویل هستند و فهم و درک روح معنای الفاظ و واژگان، منجر به فهم معنایی اعم از معانی محسوس و مادی می‌شود و توسعه‌ای فراتر از فهم عرفی به معنای الفاظ می‌بخشد.

لازمه رسیدن به روح و حقیقت معنای هر لفظ، خارج کردن ویژگی‌ها و خصوصیات مصادیق معانی محسوس واژه، از حد و تعریف معنای واژه است (غزالی، ۱۴۱۱: ص ۴۸)؛ به عبارتی دیگر، اگر واضع لغت به معنایی والاتر از معنای ظاهری دست یافت که در روح و حقیقت خود با معنای ظاهری واژه هماهنگ باشد، همان لفظ را برای معنای جدید نیز به کار خواهد گرفت. این استعمال برای واژه، استعمالی خارج از موضوع‌له آن نخواهد بود (سبزواری، ۱۳۶۰: ص ۴۹۱) که از آن به «روح و حقیقت معنا» برای واژه تعبیر می‌شود؛ بنابراین اگر بخواهیم روح و حقیقت معنای الفاظ را تعریف کنیم، باید گفت «روح معنا» همان معنای جامع، عقلی و پیرایش‌شده از ویژگی‌ها

و عوارض مصادیق مادی و ظاهری است که بر تمامی مصادیق معنای لفظ قابل حمل است و این معنا، معنایی حقیقی خواهد بود نه مجازی.

ائمه معصومین (ع) با تبیین روح و حقیقت معنایی واژگان در صدد آن بوده‌اند تا مسلمانان را بدین نکته آشنا کنند که بسیاری از الفاظ در فرهنگ اسلامی برای معانی و مفاهیمی فراگیر و عام وضع شده‌اند که اشیا و مصادیق خارجی تنها یکی از معانی واژه است؛ برای مثال لغویان واژه «میزان» را برای آن شیء خارجی وضع نموده‌اند که ابزار توزین کالا است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۸۶۸)؛ اما با دست‌یابی به روح و حقیقت معنای این واژه، می‌توان گفت معنای حقیقی واژه «میزان»، «هرچیزی که ابزار مقایسه و توزین باشد» خواهد بود؛ بنابراین اطلاق واژه «میزان» بر هرچه ابزار توزین باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ج ۴، ص ۱۵۱)، حتی اگر موجودی مجرد و در روز قیامت به کار آید، استعمالی حقیقی خواهد بود؛ چون در حقیقت مصداق معنای واژه «میزان» است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ج ۴، ص ۱۵۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۳۲).

به بیانی دیگر، واژه «میزان» برای مفهوم کلی «وسیله و ابزار توزین» وضع شده است؛ حال ممکن است مصادیق خارجی آن در طول تاریخ دچار تغییر و تبدل ظاهری شوند؛ اما استعمال تطبیق مفهوم آنها بر مصادیق پیشین و جدید، استعمالی حقیقی خواهد بود؛ زیرا در وضع الفاظ نظر به مصداق و ویژگی‌های آن نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ص ۱۳۰). معصومان (ع) ما را به این مسئله مهم آگاه نموده‌اند که واژگان افزون بر اینکه برای یک حقیقت و مصداق خارجی وضع شده‌اند، برای حقیقت اشیا خارجی فارغ از تعینات و تشخصات مادی و ظاهری نیز وضع شده‌اند؛ بنابراین در موارد فراوانی وضع الفاظ و واژگان برای روح معانی می‌تواند امکان رسیدن به معنای حقیقی الفاظ را فراهم نماید. برای مثال امام صادق (ع) معنای واژه «کرسی» در آیه «وَبَسَّعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (بقره: ۲۵۵) را به معنای «علم خداوند» تبیین می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۳۰). معنای لغوی واژه «کرسی»، یعنی به هم وصل کردن اجزای اشیاء برای نشستن بر روی آن

(راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۷۰۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۲۱: ج ۳، ص ۱۶۳؛ ولی‌امام (ع) ویژگی‌های مصداقی و مادی واژه را پالایش می‌کند و از معنای لغوی آن در فرهنگ عربی که معنایی محسوس و مادی است، فراتر می‌رود و واژه را به معنای عامی توسعه می‌دهد که همان «قدرت و مدیریت» باشد و به روح معنایی و حقیقتی که واژه در فرهنگ اسلامی برای آن تبیین نموده، اشاره می‌کند. در فرهنگ اسلامی «کرسی» کنایه از قدرت و تسلط آمده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۵۱۳)؛ برای مثال وقتی گفته شود کرسی فرمانروایی او تا فلان سرزمین گسترش یافته است، یعنی بر تمامی آن سرزمین‌ها تسلط پیدا کرده است و بر آنها علم و آگاهی دارد؛ از این رو مفهوم عام و فراگیر این واژه یعنی «علم و قدرت». به عبارتی دیگر، روح معنای واژه «کرسی» در فرهنگ اسلامی به معنای «علم و آگاهی» داشتن بر امور به کار برده می‌شود.

همچنین امام باقر (ع) واژه «ید» در آیه «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي» (ص: ۷۵) را به معنای «نیرومندی و برکت» بیان می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۶). واژه «ید» در معنای لغوی خود به معنای عضوی از بدن انسان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۸۸۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ص ۴۱۹)؛ ولی‌امام (ع) با توسعه در معنا و القای ویژگی‌های معنای محسوس، واژه را به معنایی بالاتر از معنای ظاهری خود برمی‌گرداند که در روح و حقیقت خود، با معنای ظاهری واژه هماهنگ است. گرچه این احتمال وجود دارد معنای نیرومندی در ذهن واضع واژه «ید» نبوده باشد؛ اما از مراتب والای معنای واژه به شمار می‌آید. به عبارتی دیگر، امام (ع) واژه «ید» را برای معنای کلی نیرومندی تبیین می‌کند که یک حقیقت عقلی است و مصداق محسوس و مادی آن همان دست در معنای لغوی خود است.

۱۰. بیان مفهومی معصوم (ع) در معنای واژه

یکی دیگر از کارکردهای احادیث معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب که در آثار شیخ صدوق مورد توجه قرار گرفته است، توجه و تأکید بر بیان مفهومی واژه غریب است. این مورد

با گونه تعیین دقیق حدود معنا اختلاف دارد؛ در آن به تبیین دقیق حدود معنایی واژه برای پرهیز از احتمال ترادف با واژه‌ای دیگر پرداخته می‌شود؛ اما در بیان مفهومی، امام معصوم (ع) به تفسیر، توصیف یا بیان علت غایی می‌پردازد که واژه برای آن وضع شده است. در تفسیر معنای واژه، به شرح و بسط حول واژه غریب پرداخته می‌شود (معرفت، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۱۱۶). این مورد در معناشناسی واژگان غیر مادی و نامحسوس که جنبه مادی و حسی ندارند، بیشتر به کار می‌رود؛ برای مثال امام صادق (ع) در تبیین معنای واژه «کبر» به تفسیر واژه می‌پردازد و می‌فرماید «کبر» عبارت از این است که آدمی با دیده حقارت به مردم بنگرد و حق را خوار شمارد (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۴۶).

یکی دیگر از گونه‌های بیان مفهومی واژه، بیان توصیفی واژه است. منظور از بیان توصیفی واژه، بیان عوارض، ویژگی‌ها و صفات یک واژه است. در آثار شیخ صدوق به این جنبه از کارکرد احادیث معصومان (ع) در معناشناسی واژگان غریب نیز اشاره شده است؛ برای مثال امام موسی کاظم (ع) در معنای واژه «الله»، به توصیف واژه می‌پردازد و می‌فرماید یعنی «بر همه آفریدگان خود، چه کوچک و چه بزرگ سیطره دارد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۴)؛ چون چیرگی بر مخلوقات و تسلط بر آنها، از ویژگی‌های «الله» و لازمه مفهوم خدایی است (برای مطالعه بیشتر، رک: واژه‌های الله، ص ۴؛ طافی، من لایحضر، ج ۳، ص ۳۲۵).

از دیگر گونه‌های بیان مفهومی واژه، بیان غایت واژه است؛ ائمه معصومان (ع) در بیان معنای واژه غریب گاهی به غایت آن واژه نظر داشته‌اند؛ برای مثال از امام باقر (ع) درباره معنای واژه «حج» پرسیده شده است؛ امام (ع) با بیان نتیجه و ثمره به کارگیری واژه، آن را به «رستگارشیدن» معنا می‌کند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۱۷۰). از آنجاکه حج مقبول با حاصل شدن شرایط آن موجب رستگاری انسان می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت امام (ع) در بیان معنای واژه به غایت آن نظر داشته است.

در نمونه‌ای دیگر از امام صادق (ع) در بیان معنای واژه «عقل» پرسیده شده است؛ امام (ع) می‌فرماید عقل چیزی است که به وسیله آن خداوند پرستش شود و بهشت به دست آید (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ص ۲۴۰). امام (ع) در حدیث فوق به جای پرداختن به معنای لغوی واژه، ضمن اشاره به ثمره و نتیجه استفاده از «عقل»، ثمره به‌کارگیری آن را بیان می‌کند. این تعریف امام (ع) از واژه غریب منتج به فهم عمیق معنای واژه شده است.

نتیجه

شیخ صدوق به جای رجوع به لغویان برای کشف معنای واژه غریب، در بیشتر موارد از سخنان ائمه معصومان (ع) بهره می‌برد و معنای واژه غریب را از زبان ایشان نقل می‌کند. وی با استناد به احادیث معصومان (ع) که صلاحیت‌های علمی و توانایی‌های ادبی آنها در حوزه معناشناسی واژگان غریب در برابر دیگران قابل مقایسه نیست و فهم آنها فهمی کامل و خطاناپذیر است، توانسته است به لایه‌های معنایی واژگان و جنبه‌های گوناگون آنها دست یابد و نکات ناب معنوی و علمی جدیدی را کشف کند. با بررسی احادیث معصومان (ع) در آثار شیخ صدوق مشخص می‌شود ایشان از گونه‌های متنوعی - برحسب نوع مخاطبان - به معناشناسی واژگان غریب پرداخته‌اند که دسته‌بندی آنها در قالب‌های مختلف به وسیله پژوهشگران، بنا به نوع نگاه آنها به موضوع می‌باشد. گونه‌های بیان مصداق، بیان مفهومی، بیان معنای لغوی و استعمالی و بیان وجه تسمیه‌ها، از مهم‌ترین گونه‌های بیانی معصومان (ع) در واژگان غریب است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۲۱ ق)؛ *النهاية في غريب الحديث والأثر*؛ رياض: دار ابن جوزي.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ش)؛ *عیون اخبار الرضا*؛ محقق: مهدی لاجوردی؛ تهران: نشر جهان.

- _____ (۱۳۸۵ ش)؛ علل الشرایع؛ قم: کتاب فروشی داوری.
- _____ (۱۴۰۳ ق)؛ معانی الاخبار؛ محقق: علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۳ ق)؛ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه؛ محقق: علی اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۴ ق)؛ اعتقادات الامامیه؛ قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷ ش)؛ ترتیب مقایس اللغة؛ تحقیق: علی عسکری؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر.
- أبوالبقاء، أيوب بن موسى [بی تا]؛ الکلیات معجم فی المصطلحات و الفروق اللغویة؛ بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابوالمکارم، علی بن محمد (۱۹۸۲ م)؛ المدخل إلى النحو العربي؛ قاهره: دار الثقافة العربية.
- اندلسی، ابوحنّان (۱۴۰۳ ق)؛ تحفة الأريب بما فی القرآن من الغریب؛ بیروت: المكتبة الاسلامی.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن [بی تا]؛ الذریعه الي تصانیف الشیعه؛ بیروت: دار الاضواء.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱ ش)؛ روش شناسی تفسیر قرآن؛ تهران: سمت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۹ ش)؛ الجامع الصحیح؛ تربت جام: احمد جام.
- جوادی آملی، عبدالله [بی تا]؛ تفسیر تسنیم؛ قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ق)؛ تفصیل وسائل الشیعه الي تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- _____ (۱۴۲۵ ق)؛ اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات؛ بیروت: مؤسسة الاعلامی للمطبوعات.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)؛ تفسیر نور الثقلین؛ قم: اسماعیلیان.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۰ ش)؛ مصباح الهدایة الى الخلافة و الهدایة؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوانساری، محمد (۱۳۹۴ ش)؛ منطق صوری؛ تهران: نشر دیدار.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۲ ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دار العلم.

- رافعی، مصطفی صادق (۱۴۲۷ ق)؛ اعجاز القرآن و البلاغة النبویه؛ بیروت: المكتبة العصرية.
- سبحانی، جعفر [بی‌تا]؛ أصول الحديث وأحكامه في علم الدراية؛ [بی‌جا]؛ [بی‌نا].
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۶۰ ش)؛ التعليقات على الشواهد الربوبية؛ مشهد: المركز الجامعی للنشر.
- _____ (۱۳۶۹ ش)؛ شرح المنظومة؛ تهران: نشر ناب.
- سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۸۳ ش)؛ تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سیبویه، ابوبشر عمرو بن عثمان (۱۴۱۰ ق)؛ الكتاب؛ بیروت: مؤسسة الاعلمية للكتاب.
- سیوطی، جلال‌الدین [بی‌تا]؛ المزهر فی علوم اللغة و انواعها؛ بیروت: دار احیاء الكتب العربية.
- شانه‌چی، کاظم (۱۳۹۷ ش)؛ تاریخ حدیث؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- صدر، سیدحسن [بی‌تا]؛ نهایه الدرایه فی شرح الرساله الموسومه بالوجیزه للبهائی؛ قم: دار الحديث.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶ ش)؛ تفسیر القرآن الکریم؛ قم: بیدار.
- _____ (۱۳۸۷ ش)؛ سه رسائل فلسفی (متشابهات القرآن، المسائل القدسیة و اجوبة المسائل)؛ مصحح: سیدجلال‌الدین آشتیانی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹ ش)؛ درآمدی بر معناشناسی؛ تهران: سروش.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: ناصرخسرو.
- _____ (۱۳۷۷ ش)؛ تفسیر جوامع الجامع؛ تهران: دانشگاه تهران.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش)؛ مجمع البحرين؛ تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۲۶ ش)؛ اساس الاقتباس؛ محقق: مدرس رضوی؛ تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۰ ش)؛ الاستبصار؛ به کوشش: حسن موسوی خراسان؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ [بی‌تا]؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- طیب حسینی، محمود (۱۳۹۲ ش)؛ درآمدی بر دانش مفردات قرآن؛ تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ش)؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: المطبعة العلمية.
- غزالی، ابوحامد (۱۴۰۹ ق)؛ جواهر الکلام و درره؛ بیروت: دار الکتب العلمية.
- _____ (۱۴۱۱ ش)؛ جواهر القرآن؛ بیروت: دار إحياء العلوم.
- غفاری، علی اکبر (۱۴۱۳ ق)؛ مقدمه «من لایحضره الفقیه»؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)؛ کتاب العین؛ قم: هجرت.
- فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ ق)؛ تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق)؛ تفسیر الصافی؛ تهران: صدر.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ ش)؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۹۰ ش)؛ صحیح مسلم؛ ارومیه: حسینی اصل.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ش)؛ الکافی؛ تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- _____ [بی تا]؛ اصول کافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوهی، عادل، هادی حجت و علی اکبر فراتی (۱۳۹۳ ش)؛ «گونه‌شناسی روایات معناشناخت واژگان قرآن»؛ فصلنامه تفسیر اهل بیت (ع)، س ۲، ش ۲.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۸۵ ش)؛ مقباس الهدایه فی علم الدرایه؛ قم: دلیل ما.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ ش)؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مصطفی، ابراهیم و دیگران (۱۳۲۷ ش)؛ المعجم الوسیط؛ تهران: مکتبه المرتضی.
- معارف، مجید و ابوالقاسم اوجاق‌لو (۱۳۸۵ ش)؛ «گونه‌شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان (ع)»؛ فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، دوره ۹۰؛ ش ۷۹.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹ ش)؛ تفسیر و مفسران؛ قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- معین، محمد (۱۳۷۱ ش)؛ فرهنگ فارسی معین؛ تهران: امیرکبیر.
- مغنیة، محمد جواد (۱۴۲۴ ق)؛ تفسیر الکاشف؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
المنجد، محمد نورالدین (۱۴۱۹ ق)؛ الاشتراك اللفظي في القرآن الكريم بين النظرية والتطبيق؛ دمشق:
دار الفكر.

موسوی، سید محسن و حجت علی نژاد (۱۳۹۷ ش)؛ «نقش احادیث معصومین در معناشناسی
واژه‌های قرآن کریم»؛ فصلنامه احسن الحديث، س ۱۵، ش ۶۱.
میرشکاری، جواد (۱۳۹۶ ش)؛ فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان؛ تهران: فرهنگستان زبان و ادب
فارسی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۲۴ ق)؛ فهرست اسماء مصنفی الشیعه؛ مصحح: موسی شبیری زنجانی؛
قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
هاشمی کاشانی، سید غدیر و دیگران (۱۴۰۰ ش)؛ «گونه‌شناسی مفردات پژوهی در قرآن از منظر روایات
تفسیری اهل بیت (ع)»؛ پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۴۵.

References

- The Quran.
Abū al-Baqā', Ayyūb b. Mūsā. n.d. *Al-Kullīyyāt mu'jam fī al-muṣṭalaḥāt wa-l-furūq al-lughawiyya*. Beirut: al-Risala Institute.
Abū al-Makārīm, 'Alī b. Muḥammad. 1982. *Al-Madkhal ilā al-naḥw al-'Arabī*. Cairo: Dār al-Thiqāfat al-'Arabiyya.
Andulusī, Abū Ḥayyān al-. 1403 AH. *Tuḥfat al-arīb bi-mā fī al-Qur'ān min al-gharīb*. Beirut: al-Maktabat al-Islāmiyya.
Anis, Ibrahim and Ibrahim Mustafa. 1327 Sh. *Al-Mu'jam al-wasīf*. Tehran: Maktabat al-Murtaḍā.
Āqā Buzurg Ṭīhrānī, Muḥammad Muḥsin. n.d. *Al-Dharī'a ilā taṣānīf al-Shī'a*. Beirut: Dār al-Aḍwā'.

- ‘Ayyāshī, Muḥammad b. Mas‘ūd al-. 1380 Sh. *Tafsīr al-‘Ayyāshī*. Tehran: al-Maṭba‘at al-‘Ilmiyya.
- Babae, Ali Akbar. 1381 Sh. *Ravishshināsī-yi tafsīr-i Qur‘ān*. Tehran: Samt.
- Bukhārī, Muḥammad b. Ismā‘īl al-. 1389 Sh. *Al-Jāmi‘ al-ṣaḥīḥ*. Torbat-e Jam, Iran: Ahmad Jam.
- Fadlallah, Sayyid Muhammad Hussein. 1419 AH. *Tafsīr min waḥy al-Qur‘ān*. Beirut: Dār al-Milāk li-l-Ṭibā‘a wa-l-Nashr.
- Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad al-. 1410 AH. *Kitāb al-‘ayn*. Qom: Hejrat.
- Fayḍ al-Kāshānī, Mullā Muḥsin al-. 1415 AH. *Tafsīr al-ṣāfi*. Tehran: Sadr.
- Ghaffāri, Ali Akbar. 1413 AH. “Muqaddama.” In *Man lā-yahḍuruh al-faqīh* by Muḥammad b. ‘Alī Ibn Bābawayh. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ghazālī, Abū Ḥāmid al-. 1409 AH. *Jawāhir al-kalām wa-dururuh*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ghazālī, Abū Ḥāmid al-. 1411 AH. *Jawāhir al-Qur‘ān*. Beirut: Dār Ihya‘ al-‘Ulūm.
- Hashemi Kashani, Seyed Ghadir, Seyed Mohammad Razavi, and Mohammad Reza Aram. 1400 Sh. “Gūnih-shināsī-yi mufradāt-pazhūhī dar Qur‘ān az manẓar-i rivāyāt-i tafsīrī-yi ahl-i bayt.” *Pazhūhishnāmih-yi ma‘ārif-i Qur‘ānī* 12, no. 45: 95-118.
- Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1412 AH. *Tafṣīl wasā‘il al-Shī‘a ilā taḥṣīl masā‘il al-sharī‘a*. Qom: Mu‘assasa Āl al-Bayt li-l-Ihyā‘ al-Turāth.
- Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1425 AH. *Tafsīr nūr al-thaqalayn*. Qom: Esmailian.
- Ibn Athīr, Mubārak b. Muḥammad. 1421 AH. *Al-Nihāya fī gharīb al-ḥadīth wa-l-athar*. Riyadh: Dār Ibn Jawzī.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ‘Alī. 1378 Sh. *Uyūn akhbār al-Riḍā*. Edited by Mahdi Lajevardi. Tehran: Jahan Publications.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ‘Alī. 1385 Sh. *Ilal al-sharā‘i‘*. Qom: Davari Bookstore.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ‘Alī. 1403 AH. *Ma‘ānī al-akhbār*. Edited by Ali Akbar Ghaffāri. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ‘Alī. 1413 AH. *Man lā-yahḍuruh al-faqīh*. Edited by Ali Akbar Ghaffāri. Qom: Islamic Publishing Office.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ‘Alī. 1414 AH. *I‘tiqādāt al-Imāmiyya*. Qom: al-Shaykh al-Mufid Congress.

- Ibn Fāris, Aḥmad. 1387 Sh. *Tartīb maqāyīs al-lughā*. Edited by Ali Askari. Qom: Research Institute of Hawzeh and University.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ṣādir.
- Javadi Amoli, Abdollah. n.d. *Tafsīr-i tasnīm*. Qom: Esra.
- Khansari, Mohammad. 1394 Sh. *Manṭiq-i šūrī*. Tehran: Didar Publications.
- Khomeini, Sayyid Ruhollah. 1360 Sh. *Miṣbāḥ al-hidāya ilā al-khilāfa wa-l-hidāya*. Qom: Institute for Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini.
- Koohi, Adeleh, Hadi Hojjat, and Ali Akbar Forati. 1393 Sh. “Gūnih-shināsī-yi rivāyāt-i ma‘nāshinākt-i vāzhigān-i Qur’ān.” *Tafsīr-i Ahl-i Bayt* 2, no. 2: 120-48.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb al-. 1365 Sh. *Al-Kāfi*. Tehran: Daftar-i Muṭāli‘āt-i Tārīkh va Ma‘ārif-i Islāmī.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya‘qūb al-. n.d. *Uṣūl al-kāfi*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Maaref, Majid and Abolqasem Ojaghloo. 1385 Sh. “Gūnih-shināsī-yi tabyīn-i vāzhigān-i dīnī dar rivāyat-i ma‘šūmān.” *Maqālāt va barrasīhā* 90, 79: 149-67.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1374 Sh. *Tafsīr-i nimūnih*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Māmaqānī, ‘Abd Allāh al-. 1385 Sh. *Miqbās al-hidāya fī ‘ilm al-dirāya*. Qom: Dalil-e Ma.
- Marefat, Mohammad Hadi. 1379 Sh. *Tafsīr va mufasssīrān*. Qom: al-Tamhid Cultural Institute.
- Mirshekari, Javad. 1396 Sh. *Farhang-i vāzhih-hāyi muṣavvab-i farhangistān*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature.
- Moin, Mohamamd. 1371 Sh. *Farhang-i Fārsī-yi Mu‘īn*. Tehran: Amir Kabir.
- Mousavi, Seyed Mohsen and Hojjat Alinejad. 1397 Sh. “Naqsh-i aḥādīth-i ma‘šūmīn dar ma‘nāshināsī-yi vāzhih-hāyi Qur’ān-i karīm.” *Aḥsan al-ḥadīth* 16, no. 61: 11-22.
- Mughnia, Muḥammad Jawād. 1424 AH. *Tafsīr al-kāshif*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Munajjid, Muḥammad Nūr al-Dīn al-. 1419 AH. *Al-Ishtirāk al-laḥẓī fī al-Qur’ān al-karīm bayn al-naẓariyya wa-l-taṭbīq*. Damascus: Dār al-Fikr.
- Muṣṭafawī, Ḥasan. 1360 Sh. *Al-Taḥqīq fī kalimāt al-Qur’ān al-karīm*. Tehran: Bungāh-i Tarjumih va Nashr-i Kitāb.
- Najāshī, Aḥmad b. ‘Alī al-. 1424 AH. *Fihrist asmā’ muṣannif al-Shi‘a*. Edited by Mousa Shobeiri Zanjani. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Qurashī, ‘Alī Akbar. 1371 Sh. *Qāmūs-i Qur’ān*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.

- Qushayrī al-Nayshābūrī, Muslim b. Ḥajjāj al-. 1390 Sh. *Ṣaḥīḥ Muslim*. Urmia, Iran: Hosseini Asl.
- Rāfi'ī, Muṣṭafā Sādiq. 1427 AH. *I'jāz al-Qur'ān wa-l-bilāghat al-nabawiyya*. Beirut: al-Maktabat al-'Aṣriyya.
- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn b. Muḥammad al-. 1422 AH. *Al-Mufradāt fī gharīb al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-'Ilm.
- Sabzawārī, Mullā Hādī al-. 1360 Sh. *Al-Ta'liqāt 'alā al-shawāhid al-rubūbiyya*. Mashhad: al-Markaz al-Jāmi'ī li-l-Nashr.
- Sabzawārī, Mullā Hādī al-. 1369 Sh. *Sharḥ al-manzūma*. Tehran: Nab Publications.
- Ṣadr al-Dīn al-Shīrāzī, Muḥammad b. Ibrāhīm. 1366 Sh. *Tafsīr al-Qur'ān al-karīm*. Qom: Bidar.
- Ṣadr al-Dīn al-Shīrāzī, Muḥammad b. Ibrāhīm. 1387 Sh. *Sih risāliḥ-yi falsafī (Mutashābihāt al-Qur'ān, al-Masā'il al-qudsiyya, wa Ajwibat al-masā'il)*. Edited by Sayyid Jalaluddin Ashtiani. Qom: Islamic Propagation Office.
- Ṣadr, Sayyid Ḥasan al-. n.d. *Nihāyat al-dirāya fī sharḥ al-risālat al-mawsūma bi-l-wajīza li-l-Bahā'ī*. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Saeedi Roshan, Mohammad Bagher. 1383 Sh. *Tahlīl-i zabān-i Qur'ān va-ravishshināsī-yi fahm-i ān*. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Safavi, Kourosh. 1379 Sh. *Darāmadī bar ma'nāshināsī*. Tehran: Soroush.
- Shanechi, Kazem. 1397 Sh. *Tārīkh-i ḥadīth*. Tehran: The Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT).
- Sībawayh, Abū Bushr 'Amr b. 'Uthmān. 1410 AH. *Al-Kitāb*. Beirut: Mu'assat al-A'lamiyya li-l-Kitāb.
- Sobhani, Jafar. n.d. *Uṣūl al-ḥadīth wa-aḥkāmuh fī 'ilm al-dirāya*. N.p.
- Suyūfī, Jalāl al-Dīn al-. n.d. *Al-Muzhir fī 'ulūm al-lughā wa-anwā'ihā*. Beirut: Dār Ihya' al-Kutub al-'Arabiyya.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1372 Sh. *Majma' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*. Tehran: Nasser Khosro.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1377 Sh. *Tafsīr jawāmi' al-jāmi'*. Tehran: University of Tehran.
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. 1417 AH. *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Qom: Islamic Publishing Office.

- Tayeb Hosseini, Mahmoud. 1392 Sh. *Darāmadī bar dānish-i mufradāt-i Qur'ān*. Tehran: Research Institute of Hawzeh and University.
- Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn al-. 1375 Sh. *Majma' al-baḥrayn*. Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1326 Sh. *Asās al-iqtibās*. Edited by Modarres Razavi. Tehran: University of Tehran.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1390 Sh. *Al-Isṭibṣār*. Edited by Hasan Mousavi Khorsan. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. n.d. *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.